

تماشای تماشا

نقدی بر کتاب عکاسی برای تماشا

محمد خدادادی مترجم‌زاده*

چکیده

نگارنده در این متن در تلاش است با بررسی هدف‌مند کتاب عکاسی برای تماشا براساس محورهای چهارگانه معرفی کلی اثر و مؤلف، تحلیل بیرونی و خاستگاه اثر و مؤلف آن، تحلیل درونی و جایگاه اثر، و نقد و ارزیابی اثر از جنبه‌های مختلف ارزش‌ها و کاستی‌های کتاب را شناسایی کند و بتواند سیمای مناسبی از ویژگی‌های کاربردی و شکلی آن به‌دست دهد. در این مسیر، نگارنده در مقدمه با ترسیم دیدگاهی کلی‌نگر به ترجمه متون عکاسی در ایران، وضعیت کلی جامعه عکاسی ایران را در زمان چاپ کتاب موردنظر برمی‌شمارد. سپس، به تفصیل مندرجات کتاب را از منظرهای پیش‌نهادی می‌سنجد و با ارزیابی موارد مفید و کاستی‌های کتاب به این نتیجه می‌رسد که باوجود کاستی‌های موجود، اعم از ساختار کتاب و ایرادهای ترجمه، فواید این کتاب برای جامعه کنونی عکاسی، و به‌ویژه جامعه دانشگاهی کشور، بسیار بیش از کاستی‌های آن است؛ به‌شرط آن‌که به‌نحوی مطلوب به مراکز دانشگاهی و هنری معرفی شود.

کلیدواژه‌ها: عکس، نمایشگاه، تماشا، عکاسی، نقد.

۱. مقدمه

براساس اطلاعات اعلام‌شده در جریان نشست با موضوع «ترجمه کتاب‌های عکاسی» از مجموعه نشست‌های تخصصی سیزدهمین دوسالانه عکس ایران در موزه هنرهای معاصر (بهمن ۱۳۹۳)، از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۹۳ قریب به ۱۸۵ عنوان کتاب در زمینه‌های مختلف

* استادیار گروه عکاسی، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر - تهران، m.kh.motarjemzadeh@art.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۳

عکاسی ترجمه و منتشر شده است.^۱ نکته جالب این است که در طی زمان چهل ساله، کمیت ترجمه‌ها شکل تصادی به خود گرفته است، به گونه‌ای که فقط در سه سال منتهی به ۱۳۹۳ حدود هشتاد عنوان کتاب در این حوزه ترجمه شده است؛ روندی که کماکان ادامه دارد. این حجم عظیم برای ترجمه کتاب‌های عمدتاً غربی در این بازه زمانی کوتاه نتایج مثبت و منفی را در پی دارد. می‌توان آشنایی با اطلاعات تولیدشده در جهان و شناخت فناوری‌ها و روش‌های تولید عکس و نظریه‌های روز درباره شیوه‌های نوین نگریستن و اندیشه عکاسانه را در مجموع پی‌آمدهای مثبت و مفید دانست. درسوی‌دیگر، کیفیت منبع مورد ترجمه و اعتبار نویسنده آن، میزان آگاهی و تخصص مترجم، ساختار متن تولیدشده (ترجمه‌شده)، میزان سودمندی مطالب کتاب، و ضرورت استفاده از آن در جامعه هدف را می‌توان از پی‌آمدهای مهم و شاید منفی این کار سنجید. باین‌وصف، نمی‌توان فقط براساس یک سنجه و معیار اعتبار یک کتاب ترجمه‌شده را به‌طور کلی از آن بازپس گرفت؛ چراکه در این صورت می‌بایست ارکان‌های مرتبط با حوزه ترجمه کتاب در وزارت ارشاد اسلامی و سازمان‌های مرتبط دیگر را نیز به‌چالش کشاند. نگارنده بر این باور است که شاید حتی یک ترجمه معیوب نیز بتواند با وجود کاستی‌های خود منشأ اثر باشد و البته و صد البته با نقد ساختارمند آن بتوان از ایرادهای اثر کاست و سرمشقی سودمند برای همان مترجم و مترجمان بعدی پدید آورد. این دستاورد می‌تواند در چاپ‌های بعدی کتاب نیز مورد استفاده قرار گیرد؛ از آن مهم‌تر می‌تواند افق‌های ناپیدای موضوع کتاب و ساختار آن را در اختیار خواننده علاقه‌مند قرار دهد و ارزش مطالعه آن را دوچندان کند. بنابراین قاعده کتاب *عکاسی برای تماشا* و ترجمه آن بررسی می‌شود.

۲. معرفی کلی اثر و مؤلف

کتاب در قطع وزیری است آن را به تعداد هزار نسخه انتشارات سمت در زمستان ۱۳۹۲ چاپ کرده است و ۳۷۵ صفحه دارد. صحافی کتاب از قابلیت خوبی برای استفاده مکرر و تورق زیاد برخوردار است. صفحه‌بندی، اندازه، و نوع حروف انتخاب‌شده از کیفیت قابل قبولی برخوردارند. تصاویر شاهد متن نیز از حداقل کیفیت لازم برای نگریستن — البته متناسب با وضعیت چاپ و قیمت پشت جلد کتاب — برخوردارند. هم‌چنین، آوردن کلمات لاتین اسامی خاص در پانوشت امکان تلفظ صحیح‌تر این کلمات را فراهم می‌کند. نویسنده در درون هر فصل از پیوست‌هایی که به‌زعم او می‌توانسته مطلب را تکمیل کند

بهره گرفته است. هم‌چنین، در پایان هر فصل نمونه‌پژوهی را به‌شکل یک گزارش از تجربه شخصی یک یا چند عکاس یا مدیر هنری در برگزاری نمایشگاه به آن افزوده است. زبان به‌کار گرفته‌شده ساده و قابل‌درک است.

کتاب در شکل کلی خود موضوع ارائه و به‌نمایش‌گذاردن عکس را بررسی می‌کند و از زوایای گوناگون عرضی و طولی به فرایند شکل‌گیری نمایشگاه عکس می‌نگرد. ازمنظر طولی، سلسله‌مراتب شکل‌گیری، فکر اولیه نمایشگاه را (و حتی در چند جای کتاب، فکر اولیه عکاسی با هدف برگزاری نمایشگاه) تا انتهای کار، یعنی پایان نمایشگاه و مرادوات پس از آن مورد‌ملاحظه قرار می‌دهد. ازمنظر عرضی، گونه‌های مختلف اندیشه‌ها و موضوع‌های قابل‌ارائه برای کار نمایشگاهی و روش‌های مختلف اجرای آن‌ها را به‌قیاس می‌گذارد. نویسنده در جریان تحقیق خود از تعداد متنابهی نقل‌قول افراد صاحب‌نظر در این حوزه، از عکاس و مدرس عکاسی گرفته تا نمایشگاه‌گردان و منتقد عکاسی و مجموعه‌دار بهره گرفته است. به این ترتیب، مجموعه‌ای از اطلاعات مستدل و تجربه‌شده را در اختیار خواننده قرار داده است.

درباره نویسنده کتاب، خانم شرلی رید^۲، هیچ اطلاع مدونی در کتاب وجود ندارد. فقط در مقدمه کتاب است که نویسنده تلویحاً خود را مدرس چند کارگاه آموزشی در سه دانشگاه در انگلستان معرفی می‌کند. درباره مترجم کتاب، خانم الهام محمدنژاد، نیز هیچ اطلاع مدونی در کتاب وجود ندارد. متأسفانه درج اطلاعات درباره دانش و تجربه علمی و عملی مؤلف و مترجم در کتاب‌های منتشرشده در ایران چنان‌که باید الزامی نیست.

۳. تحلیل بیرونی و خاستگاه اثر و مؤلف آن

مؤلف در مقدمه کوتاه خود نبود منبع مشخص و مناسب را برای ترغیب دانشجویان رشته عکاسی به برگزاری نمایشگاه در دوران تحصیل و به‌ویژه دوران فراغت از تحصیل را انگیزه اصلی تألیف چنین کتابی می‌داند. او معتقد است این کتاب در حکم یک راهنمای عملی برای عکاسان جوان، و به‌ویژه دانشجویان عکاسی برای برگزاری نمایشگاه عکس است. در جریان مطالعه کتاب ضرورت برگزاری نمایشگاه برای دانشجویان فارغ‌التحصیل به‌خوبی و به‌دفعات موردتوجه و بحث قرار می‌گیرد. یادآوری تجربه عکاسان مختلف و گروه‌های عکاسی خود به انگیزه‌ای برای تداوم خوانش کتاب مبدل می‌شود. البته مؤلف ضرورت‌های ذکرشده را برای انتشار کتاب برای کشور خود (انگستان) متذکر می‌شود؛ بااین‌وصف،

اطلاعات طرح‌شده در کتاب برای خوانندگان کتاب در ایران و به‌ویژه دانشجویان عکاسی می‌تواند تهییج‌کننده و مفید باشد.

از تأسیس رشته عکاسی در دانشگاه‌های ایران بیش از سی سال می‌گذرد. به‌طور طبیعی، در سال‌های آغازین که با جنگ تحمیلی ایران و عراق هم‌زمان بود از کتاب‌های درسی در مقاطع دانشگاهی رشته عکاسی خبری نبود؛ تنها منابع در دسترس کتاب‌ها و مجلات داخلی و خارجی موجود در کتابخانه‌های دانشگاه‌های کشور بود که با همراهی آموزه‌های اساتید تازه از فرنگ بازگشته جمع می‌شد. اما اکنون پس از گذشت سی سال، کتاب‌های متعددی در زمینه‌های مختلف عکاسی ترجمه شده و به چاپ رسیده است. به این مجموعه می‌بایست حجم بالای مقاله‌های منتشرشده و امکان دسترسی آسان را به آن‌ها نیز افزود. هرچند در این جا باید بحث کمیت را از بحث کیفیت مطالب ارائه‌شده در کتاب‌ها و مقاله‌ها تفکیک کرد. چه‌بسا مطالب بسیاری از مقاله‌ها و کتاب‌های نوشته‌شده — و حتی در برخی موارد ترجمه‌شده در حوزه عکاسی — تکرار مکررات قبلی هستند که با عبارت‌ها و ترکیب‌بندی‌های دیگری ارائه شده‌اند که معمولاً چیزی بر مطلب قبلی نمی‌افزایند. حتی در مواردی معدود دو ترجمه از یک کتاب خارجی به‌طور هم‌زمان منتشر می‌شوند.^۳ متأسفانه در حوزه منابع عکاسی مورد استفاده برای ترجمه در ایران هماهنگی و اطلاع‌رسانی پیوسته و کارآمدی بین مترجمان و بنگاه‌های ترجمه وجود ندارد.

در این بین، کتاب‌های چاپ‌شده نهادهای دانشگاهی که با هدف آموزش در سطح عالی آموزش کشور منتشر می‌شوند در حوزه تخصصی خود از اعتبار بیشتری برخوردارند. بر این اساس و براساس تجربه حدوداً سی ساله، کتاب‌های عکاسی منتشرشده این نهادها در زمره مفیدترین کتاب‌های عکاسی در جامعه دانشگاهی شناخته می‌شوند. انتشارات سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی) با توجه به پیشینه طولانی و مفید خود در عرصه نشر دانشگاهی با انتشار کتاب‌های متنوع در زمینه‌های گوناگون و به‌ویژه حوزه عکاسی، اعتبار خود را در عرصه نشر حفظ کرده و ارتقا بخشیده است.^۴ البته هم‌زمان با انتشار کتاب توسط سمت، خود دانشگاه‌ها نیز در حوزه عکاسی دست به کار چاپ و نشر شدند.^۵ در کنار آن‌ها نمی‌توان سهم بزرگ انتشارات سروش را در زمینه ترجمه و انتشار کتاب‌های تخصصی و دانشگاهی در حوزه عکاسی نادیده گرفت.^۶ افزون‌بر آن‌ها، مؤسسه‌های انتشاراتی دولتی و خصوصی دیگر در این سال‌ها در ترجمه و انتشار کتاب‌های عکاسی سهم قابل توجهی داشتند.

با این زمینه از کتاب‌های منتشرشده و وضعیت روز آموزش عکاسی ازیک‌سو، و امکان ارتباط بی‌واسطه کاربران عکاسی — و در این بحث مشخصاً دانشجویان عکاسی — ازسوی‌دیگر، انتشار کتابی که بتواند جای خالی مطلبی ناگفته یا قوام‌نیافته را در جامعه کنونی عکاسی ایران پر کند یا پنجره‌ای برای نگرستن به افق‌های گسترده‌تر را فراهم آورد، یقیناً کار ساده و شتاب‌زده‌ای نمی‌تواند باشد. هرچند در تقابل با آمار کتاب‌های انتشاریافته در حوزه عکاسی — براساس آمار ذکرشده در مقدمه این جستار — اعتبار علمی و هنری این حجم از منابع ترجمه‌شده کمی تأمل‌برانگیز است. این تأمل نه‌تنها کیفیت مطلب نگارش‌شده را به زبان اصلی شامل می‌شود، که بیش‌تر ضرورت ترجمه و انتشار مطلب را به زبان فارسی و سپس کیفیت ترجمه دربرمی‌گیرد. پرسش ساده این است: آیا آورده‌های تمامی کتاب‌های ترجمه‌شده برای جامعه عکاسی ایران، به‌ویژه جامعه دانشگاهی، ضروری و مفید است؟ و تشخیص ضرورت و فایده مفاد این کتاب‌ها با کدام نهاد اجتماعی — چه دولتی و چه غیردولتی — است؟^۷

طرح این پرسش از آن نظر مهم و سرنوشت‌ساز است که نگارنده در این جستار می‌خواهد کتاب عکاسی برای تماشا را در وضعیت کنونی جامعه عکاسی و به‌ویژه جامعه دانشگاهی اعتبارسنجی کند.

از آنجایی که رشته عکاسی در دانشگاه مجموعه‌ای از درس‌های نظری و کارگاهی را شامل می‌شود، انتشار منابع کتابی را می‌توان در دو حوزه از هم تفکیک کرد، حوزه نظری و حوزه عملی. حوزه نظری شامل چند زمینه است که می‌توان به زمینه‌های تاریخی، سبک‌شناسی، نقد و تحلیل، و مرور آثار عکاسان اشاره کرد. حوزه عملی نیز شامل زمینه‌هایی چون ابزارشناسی، فن‌شناسی، و روش‌شناسی برای عمل عکاسی و ارائه عکس‌هاست. خوش‌بختانه، در سال‌های اخیر در حوزه‌های نظری و عملی کتاب‌های گوناگونی تألیف و عمدتاً ترجمه شده و مورد استفاده قرار گرفته‌اند. هرچند به‌علت طیف وسیع استفاده و یک‌سانی آن در تمامی کشور کتاب درسی دانشگاهی را، به‌ویژه در حوزه هنر، نمی‌توان با کتاب درسی دبستان و دبیرستان مقایسه کرد. با این وصف، برخورد سلیقه‌ای مراکز آموزش عالی را درباره نوع بهره‌گیری از منابع مختلف درسی نیز نمی‌توان نادیده گرفت. این وضع را از شرح درس‌های گوناگون و تفاسیر متفاوت آن‌ها نظام‌های آموزشی و اساتید مختلف پدید آورده‌اند. چه‌بسا دیدگاه‌های متفاوت اساتید یک درس واحد تاویل‌های مختلفی را به‌دست داده است.

افزون‌بران، کتاب‌های مرتبط با حوزه عملی بیش‌تر به فرایند تولید عکس، روش‌ها، و ابزارهای عکاسی می‌پردازند. در این میان، کم‌تر کتابی موضوع ارائه عکس در قالب نمایشگاه عکس را بررسی کرده است. هرچند به‌طور پراکنده در برخی منابع این موضوع مورد توجه قرار گرفته است. مانند آنچه در فصل ۱۵ با عنوان «پرداخت نهایی و عرضه کار» در کتاب عکاسی پایه نوشته مایکل لنگفورد و ترجمه رضا نبوی منتشرشده دانشگاه هنر در سال ۱۳۸۸ آمده است.

کتاب عکاسی برای تماشا در چنین وضعیتی توانسته است مجموعه‌ای کامل را از فرایند ارائه عکس‌ها در نمایشگاه با تمامی جزئیات و حواشی و نکات ظریفی که فقط در حین اجرا پدیدار می‌شوند، یک‌جا فراهم آورد. کاری که هیچ منبع دیگر فارسی با چنین وسعتی آن را انجام نداده است. از این‌روی، جای خالی چنین کتابی که افزون‌بر ارائه راه‌کارهای اجرایی، از تجربه عکاسان و گزینش‌گران و برگزارکنندگان نمایشگاه عکس نیز بهره گرفته است به‌خوبی احساس می‌شود. این کتاب می‌تواند منبع مفیدی برای علاقه‌مندان و به‌ویژه دانشجویان عکاسی باشد. افزون‌بران، انتشار کتاب توسط مؤسسه فوکال‌پرس^۱، یکی از معتبرترین انتشارات عکاسی در جهان، و بازنشر آن در سال ۲۰۱۴ میلادی بر ارزش و اعتبار این کتاب می‌افزاید.

۴. تحلیل درونی و جایگاه اثر

این کتاب به‌لحاظ ساختار متنی دارای چند ویژگی است:

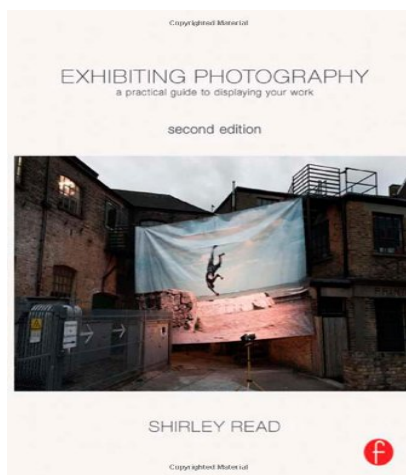
- نویسنده در متن با زبانی یک‌پارچه تمامی مطالب کتاب را در قالب فصول شش‌گانه به هم متصل کرده است تا بتواند به نتایج موردنظر دست یابد.
- نویسنده در فصل‌های شش‌گانه کتاب، پیوست‌هایی مستندگونه را براساس مناسبت موضوعی گنجانده است. این پیوست‌ها از نقل قول‌ها و ارجاع‌های متن هر فصل مجزا هستند.
- نویسنده نمونه‌پژوهی‌هایی در آخر هر فصل آورده که شاهدهی برای تحقق یافته‌های هر فصل تلقی می‌شوند.

۱.۴ کاستی‌ها

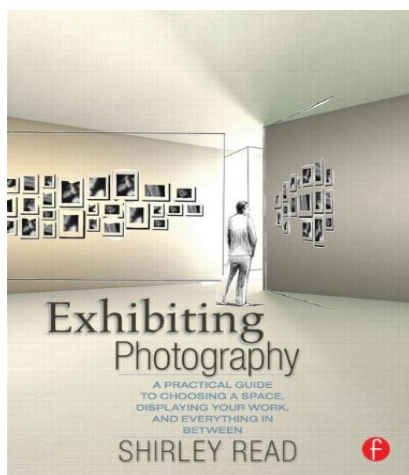
نخستین نکته قابل اشاره ترجمه عنوان کتاب است که در واقع کلید درک کلیت کتاب پنداشته می‌شود. با توجه به موضوع کتاب و آورده‌های نویسنده انتخاب عنوان عکاسی برای تماشا

کمی نامناسب است. با توجه به عنوان انگلیسی^۹ عناوین «نمایش عکس» یا «نمایشگاه عکس» در عین اختصار مناسب بهتری با مضمون کتاب دارند. هر چند عنوان انگلیسی با جمله توضیح دهنده‌ای همراه است: «راهنمای عملی برای یافتن مکان و نمایش آثار شما، و هر موضوع مربوط به آن» که در برگردان فارسی نادیده گرفته شده است، در حالی که خود این توضیح در کنار عنوان اصلی می‌توانست اشاره صریح و مفید به مطالب کتاب داشته باشد. به این معنی عنوان فارسی کتاب دربرگیرنده مضمون و محتوای کلی کتاب نیست، چون بیش تر مطالب کتاب موضوع ارائه عکس و وضعیت بهتر تماشای عکس را بررسی می‌کند و نه موضوع عکس گرفتن به قصد به تماشادر آوردن. آیا تمامی عکاسان فقط به قصد برگزاری نمایشگاه عکس می‌گیرند؟

اولین فصل کتاب عنوان نامتعارفی برای ما فارسی‌زبانان دارد. انتخاب عنوان «پس‌زمینه» برای نخستین فصل کتاب کمی غریب است؛ در حالی که با مطالعه مطالب این فصل می‌توان هدف نویسنده را از این فصل دریافت، هدفی که با عنوان «پیش‌زمینه» مناسب بهتری دارد. او در این فصل مقدمه‌های لازم و ضرورت‌های برگزاری نمایشگاه عکس را می‌نویسد. هر چند آنچه در نظر او «پس‌زمینه» نام گرفته است، همان بنیان‌های لازم و ضروری برای فرافکنی تصویر عکاسانه توسط عکاس (هنرمند) است، چیزی شبیه به مفهوم ریشه و علت‌های بنیادین. جالب این‌که نویسنده در چاپ دوم کتاب در سال ۲۰۱۴، عنوان «تفکر درباره نمایش (عکس)»^{۱۰} را برای فصل اول برمی‌گزیند و «پس‌زمینه» را کنار می‌نهد.



طرح جلد کتاب چاپ دوم سال ۲۰۱۴



طرح جلد کتاب چاپ اول سال ۲۰۰۸

به نظر می‌رسد، برخی مطالب کتاب می‌توانست مختصرتر و کوتاه‌تر بیان شود و از تکرار همان مطالب در بخش‌های بعد خودداری شود. هرچند باز تکرار مطالب موجب تمرکز بر بحث اصلی می‌شود، مطلب را نیز بی‌جهت طولانی می‌کند. مثلاً، می‌توان از آورده‌های تقریباً تکراری در صفحه‌های ۱۴۵ تا ۱۵۴ نام برد که موارد تکرار شده را راجع به جمع‌آوری حامیان مالی و معنوی آورده است، درحالی‌که در صفحه‌های قبل و بعد نیز به آن موارد اشاره شده و می‌شود. همین‌طور آورده‌های صفحه‌های ۲۸۷ و ۲۸۸ راجع به آویختن تصویر که در صفحه‌های ۱۶۲ و ۱۶۳ و ۱۶۴ و ۱۶۵ و ۱۶۶ و ۱۶۷ به‌گونه‌ای دیگر تکرار شده است. وجود مقدمه‌ای در کتاب که وجود ضمیمه‌ها و نمونه‌پژوهی داخل فصل‌ها را توضیح دهد ضروری به نظر می‌رسد. درعین حال، ضمیمه‌ها می‌توانست از داخل متن به انتهای آن برود؛ به این ترتیب، انسجام درونی متن بهتر حفظ می‌شد و از بی‌ربطی برخی از ضمیمه‌ها با متن اصلی کاسته می‌شد. البته شاید به نظر آید با این جابه‌جایی شکلی، کل متن دچار گسیختگی شود، اما در حالت فعلی نیز وجود این ضمیمه‌ها و نمونه‌پژوهی‌ها در درون متن فصل‌ها چندان مرتبط نمی‌نمایند و می‌توان آن‌ها را نخواند یا پس از پایان فصل آن‌ها را خواند.

به نظر می‌رسد، مضمون و مفهوم کلی کتاب به نحو مطلوبی ترجمه شده است، اما در این میان وجود برخی عبارت‌های خاص مانند «والتر بنجامین» (ص ۶۳) به جای «والتر بنیامین»، «خانواده آدم» (ص ۹۶) به جای عبارت متعارف «خانواده بشر»، «رولاند بارت» (ص ۱۹۹) به جای «رولان بارت»، «فصاحت تصویر» (ص ۱۹۹) به جای «بلاغت تصویر»، «از نگاه عکاس» (ص ۲۷۰) به جای «چشم عکاس» و هم‌چنین، نبود واحد سنجش (سانتی‌متر) در عبارت تصویری بزرگ‌تر از ۱۶×۱۲ (ص ۲۷۹)، آشنایی کافی نداشتن مترجم محترم با نام‌ها و اصطلاحات رایج عکاسی را برمی‌تاباند. باید توجه کرد مخاطب اصلی کتاب دانشجویان و علاقه‌مندان جدی به عکاسی هستند. آنان کم یا بیش مطالعه نظری و تاریخی دارند و بسیاری از مفاهیم و اصطلاحات عکاسی را می‌شناسند. این نام‌ها و عبارت‌ها (عمدتاً ترجمه شده)، واژگان تخصصی عکاسی در زبان فارسی را شکل می‌دهند و بارها و بارها مورد استفاده قرار گرفته‌اند. بنابراین از حالت معنای صرف کلمه بیرون آمده‌اند و در فرهنگ عکاسانه اسمی خاص با تاریخ و تباری مشخص تلقی می‌شوند. این جاست که نمی‌توان «چشم عکاس» را با «نگاه عکاس» برابر کرد؛ مگر آن‌که مترجم بخواهد عامدانه در برابر ترجمه‌های قبلی و رایج این نام‌ها و عبارت‌ها از نو واژه‌گزینی کند. البته قصد از بازگویی این موارد کوچک به معنای کاستن از کار ارزنده مترجم محترم نیست، بلکه قصد این است که در نوبت‌های بعدی چاپ شاید نکته‌های اشاره شده به کار آیند.

موضوع دیگر این که کتاب با یک نتیجه‌گیری کوتاه به پایان می‌رسد، درحالی‌که از مجموع شش فصل مطلب ارائه‌شده در کتاب جمع‌بندی مفصل‌تر و جامع‌تری انتظار می‌رفت. درواقع، نویسنده نتیجه را در سه پاراگراف بسته است. او نخواست از مطالب و موضوعاتی که طرح کرده است به‌شکلی نظام‌مند نتیجه‌گیری به‌دست دهد. شاید بر این باور بوده که خود مطالب و فصل‌های کتاب گویا هستند و مستقل از وجود یک نتیجه‌گیری مبسوط هر یک می‌توانند مفید واقع شوند. امکانی که چندان دور از ذهن نیست.

۲.۴ سودمندی‌ها

زبان به‌کارگرفته‌شده (ترجمه‌شده) از کیفیت یک‌دستی و سادگی در خوانش برخوردار است. آموزه‌های عملی طرح‌شده در کتاب برای استفاده دانشجویان و دیگر عکاسان در برگزاری نمایشگاه عکس بسیار مفید است. ازجمله، می‌توان به مطالب صفحه‌های ۱۶۵ تا ۱۷۳ راجع به مراحل اصلی در طراحی نمایشگاه و توجه به ویژگی‌های فیزیکی مکان نمایشگاه اشاره کرد. هم‌چنین، به مطالب صفحه‌های ۱۴۱ و ۱۴۲ که به موضوع مهم قرارداد بین هنرمند و گالری اشاره دارد. هرچند در سال‌های اخیر براساس آمار و پژوهش‌های دانشگاهی^{۱۱}، برگزاری نمایشگاه‌های عکاسی در نگارخانه‌های حرفه‌ای از نظر کمی و کیفی رشد روزافزونی یافته و رقم فروش عکس، به‌مثابه اثر هنری، توانسته است جای خود را تا حدودی در بازار فروش داخلی باز کند، آموزه‌های مدون کتاب می‌تواند اطلاعات ساختاری و مفیدی را در این باره به علاقه‌مند ایرانی عرضه کند. علاوه‌برآن، مطالب گردآوری‌شده درباره نمونه کاتالوگ، کارت‌پستال‌های معرفی نمایشگاه، و دعوت‌نامه‌ها در صفحه‌های ۲۲۰ تا ۲۲۹ نیز می‌تواند الهام‌بخش عکاسان و طراحان نمایشگاه عکس باشد.

فصل چهارم کتاب درباره متن تبلیغاتی و بیانیه هنرمند و کلاً امور چاپی به‌خوبی توانسته است بیان‌گر این نکته باشد که موارد فرعی و حاشیه‌ای تا چه حد می‌تواند در موفقیت نمایشگاه عکس مؤثر باشد، موضوعی که در ایران کم‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد. نمونه پژوهشی این فصل (ص ۲۵۰) نیز با عنوان «گالری دیجیتال» از بهترین بخش‌های کتاب است که جدیدترین روش‌های عرضه عکس را از طریق شبکه‌های مجازی بررسی می‌کند و ویژگی‌های مفید و مثبت آن را به‌ویژه در قالب کار گروهی برمی‌شمارد.

در فصل پنجم نیز با برشماری بسیاری از نکات کلیدی و مهم درباره استفاده مناسب از پاسپار تو و قاب برای عکس‌های مختلف و چگونگی نصب آثار بر دیوار و معرفی تجهیزات

لازم برای این کار در صفحه‌های ۲۷۴ تا ۲۹۰، به‌خوبی توانسته است راه‌گشای عکاسان و دانشجویان جوان ایرانی باشد.

در فصل ششم، موضوع بررسی نوره‌های نمایشگاه در صفحه ۳۲۸ و نمایش خصوصی آثار در صفحه ۳۳۱، دانشجویان عکاسی علاقه‌مند به برگزاری نمایشگاه را با نکات ویژه و خاصی آشنا می‌کند، هرچند که عکاسان حرفه‌ای در ایران از چنین ترفندهایی به‌خوبی آگاهی دارند. شاید از آن مهم‌تر، بررسی موضوع «پس از نمایش خصوصی آثار» در صفحه‌های ۳۴۳ تا ۳۵۰ باشد که می‌تواند در حکم چراغ راهی برای آینده کاری دانشجویان عکاسی باشد. از دید نگارنده، این مورد اخیر در زمره مهم‌ترین یافته‌های کتاب به‌شمار می‌آید؛ چراکه نبود دوراندیشی برای تداوم کار هنری و حرفه‌ای دانشجویان یکی از معضلات و دغدغه‌های جدی مراکز آموزش عالی در کشور است. آورده‌های کتاب به‌خوبی می‌تواند آگاهی و شجاعت دانشجوی تازه‌کار را در ارائه عکس‌هایش تقویت کند.

۵. نتیجه‌گیری

براساس آنچه در این جستار آمد، می‌توان انتشار این کتاب را با یک پرسش ساده، اما اصلی به‌چالش کشید.

اگر چنین کتابی منتشر نمی‌شد؟

آمار روبه‌رشد علاقه‌مندان به تحصیل عکاسی در مقاطع دانشگاهی و تأسیس و گسترش مراکز آموزش عالی علمی و کاربردی در کنار مراکز رسمی می‌تواند ضرورت انتشار کتاب‌هایی از این نوع را موجه کند. انتشار چنین کتابی در وضعیت اکنون عکاسی ایران، به‌ویژه عکاسی هنری و نمایشگاهی، می‌تواند مطالب و اطلاعات پراکنده موجود را درباره برگزاری نمایشگاه عکس در قالب ساختار مدون این کتاب به علاقه‌مندان و دانشجویان روبه‌رشد عکاسی عرضه کند. از این نظر، کتاب می‌تواند فقدان یک مرجع قابل اطمینان را در این زمینه تا حدود زیادی برطرف کند.

اما نبود اطلاعات زمینه‌ای راجع به سوابق نویسنده و مترجم مانند بسیاری از کتاب‌های ترجمه‌شده دیگر کاستی مهمی است که سطح توقع و انتظار خواننده را برای استناد به آورده‌های کتاب در حالت تعلیق قرار می‌دهد. باید توجه کرد، این کتاب رمان و داستان کوتاه نیست و قرار است یافته‌های آن — به‌ویژه در دانشگاه‌ها — مورد استفاده قرار گیرد؛

پس ناگزیر از ارائه اطلاعاتی درباره نویسنده و مؤلف است. درعین حال، مترجم می‌توانست در مقدمه خود سختی‌ها و پیچش‌های کار ترجمه را نیز برشمارد و برای نمونه، دلایل نویسنده را برای وجود ضمائم در درون متن فصل‌ها توجیه کند. هم‌چنین، مترجم محترم می‌توانست درعین امانت‌داری، و با هدف انسجام مطالب درون‌متنی، ضمائم هر فصل را در انتهای آن فصل جمع کند.

از آنجایی که به‌نظر می‌آید کتاب برای استفاده در دانشگاه‌های کشور به‌چاپ رسیده است، تبلیغ مناسب و اطلاع‌رسانی یا اعلام رسمی به گروه‌های آموزشی عکاسی در دانشگاه‌های کشور صورت نگرفته است.^{۱۲} مؤسسه انتشارات سمت می‌بایست پاسخ‌گوی این کاستی باشد. البته به‌نظر می‌رسد که این کاستی به این کتاب محدود نمی‌شود و دیگر کتاب‌های منتشرشده در زمینه عکاسی نیز به‌نحو مطلوب به جامعه دانشگاهی و هنری معرفی نمی‌شوند.

با این وصف، از دید نگارنده، کتاب *عکاسی برای تماشا* با چشم‌پوشی از کاستی‌ها و رفع آن‌ها در نوبت‌های بعدی انتشار از اعتبار مطلوب و فایده‌کافی به‌منظور آگاهی و استفاده دانشجویان عکاسی و علاقه‌مندان دیگر برخوردار است.

پی‌نوشت‌ها

۱. گزارش نشست دوم (ترجمه و انتشار کتاب‌های نظری عکاسی) از مجموعه نشست‌های تخصصی دوسالانه سیزدهم بهمن‌ماه ۱۳۹۳ که آن را در قالب چهار DVD انجمن عکاسان ایران منتشر کرده است.

2. Shirley Rread

۳. مثلاً می‌توان به کتاب *تاق روشن* نوشته رولان بارت اشاره کرد که در سال ۱۳۸۰ فرشید آذرنگ آن را ترجمه کرد و نشر ماه‌ریز آن را منتشر کرد و در همان سال نیلوفر معترف نیز آن را ترجمه کرد و نشر چشمه نیز آن را منتشر کرد. هم‌چنین، می‌توان کتاب *درباره عکاسی* نوشته سوزان سونتگ را نام برد که در سال ۱۳۸۹ مجید اخگر آن را ترجمه کرد و مؤسسه چاپ نظر با هم‌کاری حرفه هنرمند به‌چاپ رساند و در سال ۱۳۹۰ با ترجمه نگین شیدوش نشر حرفه نویسنده آن را منتشر کرد. افزون‌بر آن، ظاهراً کتاب دیگری از سوزان سونتگ را نیز با دو عنوان دو مترجم و دو ناشر در سال ۱۳۹۳ چاپ کرده‌اند؛ یکی، با عنوان *نظر به درد دیگران* با ترجمه احسان کیانی‌خواه که نشر گمان آن را منتشر کرده است و دیگری، با عنوان *درباب رنج دیگران* با ترجمه زهرا درویشیان و چاپ نشر چشمه.

۴. مثلاً، می‌توان به چند کتاب مربوط به عکاسی که انتشارات سمت منتشر کرده است اشاره کرد:

ستاری، محمد (۱۳۷۶)، *سیر تحول عکاسی*.

سارکوفسکی، جان (۱۳۸۲)، *نگاهی به عکس‌ها*، ترجمه فرشید آذرنگ.

تاگر شون، ویلیام (۱۳۸۶)، *راهنمای نورپردازی*، ترجمه شهرام نجاریان.

جان‌بخش، مرتضی (۱۳۸۸)، *کنتراست*.

ویلسن، دیوید (۱۳۸۸)، *عکاسی حرفه‌ای (عکاسی از سازه‌ها)*، ترجمه مهرداد دعوت‌خواه.

پرولبر، گری (بی‌تا)، *اسرار طبیعت بی‌جان استودیویی*، ترجمه فؤاد نجف‌زاده.

جان‌بخش، مرتضی (۱۳۹۰)، *فرآیند نوردهی*.

نظریه عکاسی: گزیده‌ای از مهم‌ترین متون نظری عکاسی در قرن بیستم (۱۳۹۲)، ویراستار

لیز ولز، ترجمه مجید اخگر، تهران: سمت.

۵. برای نمونه، کتاب *عکاسی پیشرفته* نوشته مایکل لنگفورد و ترجمه رضا نبوی را در سال

۱۳۸۴ و کتاب *عکاسی پایه* نوشته مایکل لنگفورد و ترجمه رضا نبوی را در سال ۱۳۸۸ و

کتاب *زیبایی در عکس* نوشته رابرت ادامز و ترجمه کریم متقی را در سال ۱۳۸۸ دانشگاه هنر

به چاپ رسانده است.

کتاب *فهرست عکس‌های تاریخی ایران* (ج ۱) نوشته قاسم صافی در سال ۱۳۶۳ و جلد دوم

همین کتاب در سال ۱۳۶۴؛ کتاب *عکس‌های قدیمی ایران* توسط قاسم صافی در سال ۱۳۶۸؛ و

کتاب *عکاسی مطبوعاتی و خبرهای روز* نوشته لوپ لانگتن و ترجمه یوسف زینال‌زاده و

علیرضا ارشادی را در سال ۱۳۹۰ دانشگاه تهران منتشر کرد.

دانشگاه شاهد نیز کتاب *نقاشان بزرگ و عکاسی* نوشته محسن مراثی را در سال ۱۳۷۹

منتشر کرد.

دانشگاه هنر اصفهان نیز با هم‌کاری انتشارات گلدسته کتاب *کنترل، کنتراست و کیفیت در*

عکاسی را نوشته علیرضا واعظ کرونی در سال ۱۳۹۲ منتشر کرد.

۶. برای نمونه، می‌توان به چند کتاب منتشرشده انتشارات سروش اشاره کرد:

جاکوبسن، سی. آی. و آر. ای جاکوبسن (۱۳۶۴)، *ظهور*، ترجمه اکبر عالمی.

ایتون، جرج تی (۱۳۶۴)، *شیمی عکاسی*، ترجمه عبدالعلی ذکاو.

خطیر، ضیاءالدین (۱۳۶۴)، *ظهور و چاپ رنگی*.

مانته، هارولد (۱۳۶۵)، *ترکیب‌بندی در عکاسی*، ترجمه پیروز سیار.

مانته، هارولد (۱۳۶۹)، *رنگ در عکاسی*، ترجمه پیروز سیار.

درساهاکیان، وازریک و بهمن جلالی (۱۳۶۵)، *عکاسان و عکاسی*.

جعفریان، حسین (۱۳۶۸)، *عکاسی در عکاسی و فیلمبرداری*.
صانع، منصور (۱۳۶۹)، *از گذشته‌ها: پیدایش عکاسی در شیراز*.
آدامز، آنسل (۱۳۷۰)، *دوربین عکاسی*، ترجمه پیروز سیار.
ژام، آندره و دیگران (۱۳۷۶)، *سرگذشت پیدایش عکاسی*، ترجمه پیروز سیار.
لاموره، ژان (۱۳۷۶)، *صافی‌ها در عکاسی سیاه و سفید و رنگی*، ترجمه پیروز سیار.
۷. منظور از نهاد مرتبط وزارت ارشاد اسلامی نیست، چون تا آن‌جا که نگارنده اطلاع دارد نظارت این سازمان بر کل امور چاپی کشور، موارد، و مصالح کلی و کلان کشور را دربرمی‌گیرد و نه مباحث تخصصی را.

8. Focal Press

9. Exhibiting Photography: A practical Guide to Choosing a Space, Displaying your Work, and Evry thing in Between.

10. Thinking about Exhibiting

۱۱. مثلاً، می‌توان به پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد عکاسی با عنوان *بررسی تأثیر نگارخانه‌ها در جهت‌دهی به تحولات عکاسی ایران* (سال‌های بین ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰) که در سال ۱۳۹۱ مژگان خادمی‌راد در دانشگاه هنر دفاع کرد اشاره کرد.

۱۲. نگارنده خود در زمان نگارش این مقاله مدیر گروه عکاسی و عضو هیئت‌علمی دانشگاه هنر است و فقط براساس شنیده‌ها از انتشار چنین کتابی مطلع شده است و نسخه‌ای از آن در اختیار دانشگاه محل خدمت او قرار نگرفته است.

کتاب‌نامه

آدامز، رابرت (۱۳۸۸)، *زیبایی در عکس*، ترجمه کریم متقی، تهران: دانشگاه هنر.
ایتون، جرج تی (۱۳۶۴)، *شیمی عکاسی*، ترجمه عبدالعلی ذکاوت، تهران: سروش.
آدامز، آنسل (۱۳۷۰)، *دوربین عکاسی*، ترجمه پیروز سیار، تهران: سروش.
پروبلر، گری (بی‌تا)، *اسرار طبیعت بی‌جان استودیویی*، ترجمه فؤاد نجف‌زاده، تهران: سمت.
تاگر شون، ویلیام (۱۳۸۶)، *راهنمای نورپردازی*، ترجمه شهرام نجاریان، تهران: سمت.
جاکوبسن، سی. آی. و آر. آی. جاکوبسن (۱۳۶۴)، *ظهور*، ترجمه اکبر عالمی، تهران: سروش.
جان‌بخش، مرتضی (۱۳۸۸)، *کنتراست*، تهران: سمت.
جان‌بخش، مرتضی (۱۳۹۰)، *فرآیند نوردهی*، تهران: سمت.
جعفریان، حسین (۱۳۶۸)، *عکاسی در عکاسی و فیلمبرداری*، تهران: سروش.
خادمی‌راد، مژگان (۱۳۹۱)، *بررسی تأثیر نگارخانه‌ها در جهت‌دهی به تحولات عکاسی ایران* (سال‌های بین ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته عکاسی، تهران: دانشگاه هنر.

- خطیر، ضیاء‌الدین (۱۳۶۴)، *ظهور و چاپ رنگی*، تهران: سروش.
- درساهاکیان، وازریک و بهمن جلالی (۱۳۶۵)، *عکاسان و عکاسی*، تهران: سروش.
- ژام، آندره و دیگران (۱۳۷۶)، *سرگذشت پیدایش عکاسی*، ترجمه پیروز سیار، تهران: سروش.
- سارکوفسکی، جان (۱۳۸۲)، *نگاهی به عکس‌ها*، ترجمه فرشید آذرننگ، تهران: سمت.
- ستاری، محمد (۱۳۷۶)، *سیر تحول عکاسی*، تهران: سمت.
- صافی، قاسم (۱۳۶۳)، *فهرست عکس‌های تاریخی ایران*، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- صافی، قاسم (۱۳۶۴)، *فهرست عکس‌های تاریخی ایران*، ج ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- صافی، قاسم (۱۳۶۸)، *عکس‌های قدیمی ایران*، تهران: دانشگاه تهران.
- صانع، منصور (۱۳۶۹)، *از گذشته‌ها: پیدایش عکاسی در شیراز*، تهران: سروش.
- لاموره، ژان (۱۳۷۶)، *صافی‌ها در عکاسی سیاه و سفید و رنگی*، ترجمه پیروز سیار، تهران: سروش.
- لانگتن، لوپ (۱۳۹۰)، *عکاسی مطبوعاتی و خبرهای روز*، ترجمه یوسف زینالزاده و علیرضا ارشادی، تهران: دانشگاه تهران.
- لنگفورد، مایکل (۱۳۸۴)، *عکاسی پیشرفته*، ترجمه رضا نبوی، تهران: دانشگاه هنر.
- لنگفورد، مایکل (۱۳۸۸)، *عکاسی پایه*، ترجمه رضا نبوی، تهران: دانشگاه هنر.
- مانته، هارولد (۱۳۶۵)، *ترکیب‌بندی در عکاسی*، تهران: سروش.
- مانته، هارولد (۱۳۶۹)، *رنگ در عکاسی*، ترجمه پیروز سیار، تهران: سروش.
- مراثی، محسن (۱۳۷۹)، *نقاشان بزرگ و عکاسی*، تهران: دانشگاه شاهد.
- نظریه عکاسی: گزیده‌ای از مهم‌ترین متون نظری عکاسی در قرن بیستم* (۱۳۹۲)، ویراستار لیز ولز، ترجمه مجید اخگر، تهران: سمت.
- واعظ کرون، علیرضا (۱۳۹۲)، *کنترل، کنتراست و کیفیت در عکاسی*، اصفهان: دانشگاه هنر اصفهان.
- ویلسن، دیوید (۱۳۸۸)، *عکاسی حرفه‌ای (عکاسی از سازه‌ها)*، ترجمه مهرداد دعوت‌خواه، تهران: سمت.

منابع دیگر

- مجموعه DVDهای عکس‌ها و نشست‌های تخصصی دوسالانه عکس سیزدهم موزه هنرهای معاصر، ۱۳۹۴، تهران: انجمن عکاسان ایران.